

اقتصاد آموزش

کلیدواژه‌ها:

آموزش و پرورش،
اقتصاد، منابع درآمدی

ضرورت تأسیس معاونت اقتصادی

دولتی و حتی آموزش عالی و بهداشت، با اتکا به منابع درآمدی از طریق ارائه خدمات، بخشی از هزینه‌های جاری و مزایای کارکنان خود را تأمین می‌کنند.

در آموزش و پرورش فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌ای جریان دارد که می‌توان با استفاده از توان بالقوه نیروهای شاغل و بازنشسته فرهنگی، انجام آن‌ها را به عهده بخش خصوصی گذاشت و از بار مالی آن بر دوش این وزارت‌خانه کاست؛ فعالیت‌هایی چون طراحی و اجرای بناها، سرویس مدارس، تولید لباس برای دانش‌آموزان، تولید و توزیع نوشت‌افزار، راه‌اندازی مدارس آزاد و خصوصی^۱ و...

تجربه انجام چنین برنامه‌هایی در آمریکا نشان داده است که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، فقط پس از ۹ سال خودش را بازپرداخت می‌کند؛ از این‌روست که مدارس در ایالات متحده آمریکا، دارای تشکیلات اقتصادی سودآوری هستند، به‌طوری که دانش‌آموزان در رستوران، هتل، کارگاه چوب، کتاب‌خانه و... به‌کار گمارده می‌شوند یا مدارس، خود دارای هتل، سالن آرایش، خدمات توزیع مواد غذایی و تعاونی آموزشی هستند که با سود حاصله مدارس خود را اداره می‌کنند. نمونه دیگر تشکیلات اقتصادی ساختمان‌سازی است که توسط مدارس دولتی در ایالت مریلند اداره می‌شود. این تشکیلات با دریافت وام از بانک‌ها نسبت به ساخت مسکن، پروژه‌های آموزشی، ساخت پل صیادی در دریا و... مشارکت می‌کند و از سود حاصله به تأمین اعتبارات آموزش و پرورش اقدام می‌نماید.

در ایران فعالیت‌هایی مانند ایجاد صندوق ذخیره فرهنگیان و بانک سرمایه، تأسیس تعاونی‌های مسکن و مصرف فرهنگیان،

مجله رشد معلم، در شماره مهر ۹۰ به موضوع اقتصاد و آموزش و پرورش پرداخته بود؛ موضوعی که متأسفانه چندان مورد التفات نیست و نتیجه آن شده است که فرهنگیان جامعه، در گروه اقشار آسیب‌پذیر قرار گیرند و دستگاه تعلیم و تربیت کشور علی‌رغم همه اهمیت و منزلت آن، دچار کسری بودجه مزمن شود.

در کتاب «میلیونر فوری» نوشته مارک فیشر، میلیونر پیر از پسری که درباره میلیونر شدن از او راهنمایی خواسته بود، می‌پرسد: «چرا الان ثروتمند نیستی؟» با این اشاره، جای پاسخ به این سؤال، از سوی فرهنگیان وجود دارد که: چرا آموزش و پرورش، با این گستردگی و ظرفیت‌های مادی و معنوی، کسری بودجه دارد؛ به‌طوری که این همه به دولت وابسته است و سبب شده قسمت اعظم فرهنگیان جزو اقشار آسیب‌پذیر قلمداد شوند.

دلایل فراوان است و اولین آن‌ها تفکری است که برنامه‌ریزان دولت و مجلس، با استناد به اصل سی‌ام قانون اساسی، آموزش و پرورش رایگان را حق همه شهروندان می‌دانند، درحالی که انجام این وظیفه دولت، نیازمند خرید خدمت از فرهنگیان تحت شمول وزارت آموزش و پرورش است.

چنین تفکری سبب شده است که آموزش و پرورش همواره به اعتبارات نفتی دولت متکی باشد و از پرداختن به سایر منابع درآمدی خود غافل شود. نتیجه این‌که با توجه به تغییر و تحول‌های اقتصادی غالباً نامیمونی که پیوسته به افزایش تورم دامن می‌زند، این فرهنگیان هستند که دچار بحران می‌شوند و هر ساله به دلیل کاهش ارزش واقعی حقوق و مزایای خود، در تنگنای روزافزون قرار می‌گیرند. در حالی که سایر دستگاه‌های

سیدجلال جلیلی نوش آبادی
آموزش و پرورش کاشان

ش و پرورش

در ساختار وزارت آموزش و پرورش

در آموزش و پرورش فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌ای جریان دارد که می‌توان با استفاده از توان بالقوه نیروهای شاغل و بازنشسته فرهنگی، انجام آن‌ها را به عهده بخش خصوصی گذاشت و از بار مالی آن بر دوش این وزارتخانه کاست

از فعالیت‌های نسبتاً موفق آموزش و پرورش در اقتصاد است که استمرار و موفقیت بیشتر آن، نیازمند ایجاد معاونت اقتصادی و یا گسترش فعالیت‌های اداره کل تعاون در وزارت آموزش و پرورش است.

از آنجا که طبق ماده ۱۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه، دستگاه‌های دولتی، باید سالانه بیست درصد از فعالیت‌ها و خدمات خود را به قیمت تمام شده انجام دهند و طبق ماده ۱۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و واحدهای دولتی به بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، با پرداخت تمام و یا بخشی از هزینه سرانه، خدمات واگذار شود، وزارت آموزش و پرورش نیز باید علاوه بر اقتصاد کلان، در سطح خرد نیز فعالیت‌هایی را در مدارس و حتی مناطق اجرایی کند که برخی از آن‌ها به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. معجز تأسیس مراکز آموزشی آزاد فقط در اختیار جامعه فرهنگی باشد. در حالی که امروزه بسیاری از آموزشگاه‌ها توسط افرادی خارج از چرخه جامعه فرهنگی و با اهداف سودجویانه و در شکل بنگاه اقتصادی اداره می‌شوند و به اهداف و برنامه‌های مصوب نظام آموزشی کشور توجهی ندارند.

۲. بسترسازی نهادی و قانونی برای استفاده مطلوب از ظرفیت‌ها و امکانات انسانی و مالی موجود ضروری است. مثلاً در سطح خرد، که مناطق و شهرستان‌ها هستند، مدرسان رشته خیاطی می‌توانند در ایام تابستان، با کمک هنرجویان اقدام به تولید لباس مدرسه دانش‌آموزان کنند و از این طریق، هم برای هنرجویان خود اشتغال‌زایی کنند و هم مدارس، از سود حاصل از آن بهره‌مند شوند (بدیهی است که این کار نیازمند حمایت

مالی و تدارکاتی از سوی مسئولان امر است).

۳. با مشارکت فرهنگیان بازنشسته، می‌توان آژانس‌های مسافری یا سرویس مدارس، آرایشگاه، فروشگاه و غیره تأسیس کرد و از جمله، سرویس‌دهی دانش‌آموزان راه، به جای بخش خصوصی، به آن‌ها واگذاشت.

۴. مدارس اقدام به راه‌اندازی کلاس‌های فوق برنامه کنند و در ساعات‌های خارج از وقت، با استفاده از همکاران مجرب، خدمات آموزشی را به قیمت واقعی ارائه کنند. بدون شک خانواده‌هایی که به کلاس‌های خصوصی تمایل دارند، با توجه به سلامت محیط مدرسه و عوامل آن، استقبال بیشتری خواهند داشت. در حالی که نازل بودن قیمت کلاس‌ها در بخشنامه فعلی، یکی از عوامل رویگردانی خانواده از این کلاس‌هاست، چرا که در اندیشه آن‌ها هر چه قیمت بالا باشد کیفیت نیز بهتر است.

۵. آموزش و پرورش برای خدماتی که خارج از حیطه کاری خود ارائه می‌کند، مثل همیار پلیس، همیار بهداشت و غیره، هزینه‌ای را از طرف مقابل دریافت کند.

۶. تهیه و توزیع دفتر و لوازم التحریر دانش‌آموزان، توسط مدیریت مناطق انجام شود. می‌توان از این محل به درآمدهای جانبی نیز با ارائه خدمات تبلیغی مثل معرفی مراکز فرهنگی، و پیام‌های فرهنگی و بهداشتی روی نوشت‌افزارها دست یافت.

منبع

۱. آرتورد و نالدچاگر و ریچارد هاینز (۱۹۹۹). نظام‌های آموزش کشورهای جهان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ملکی. صفی‌الله، روزنامه رسالت. ۳۰ بهمن ۱۳۸۵.